

کتاب دانیال - شماره شانزده

نمادها

Jeff Pippenger

2023-12-11

پیش از آن که به فصل سوم کتاب دانیال پردازیم، برخی نمادهای نبوی را بررسی می‌کنیم که شاید به ما امکان دهد فصل را کامل‌تر درک کنیم. دانیال، حننیا، میثائیل و عزریا به وسیله روح القدس به کار گرفته می‌شوند تا بر اساس زمینه‌ای که در آن به کار می‌روند، نمادهای نبوی مشخصی را نمایندگی کنند. در فصل نخست، آنان به صورت چهار مرد شایسته، بی‌هیچ تمایزی، معرفی می‌شوند، تا پایان فصل که در آن دانیال به عنوان کسی شناخته می‌شود که موهبت «فهم همه رؤیاها و خواب‌ها» را دارد.

اما درباره این چهار جوان، خدا به آنان دانش و مهارت در همه علوم و حکمت عطا کرد؛ و دانیال در همه رؤیاها و خواب‌ها فهم داشت. دانیال ۱:۱۷

در فصل اول، به عنوان نماد «چهار»، آنان قوم خدا را در روزهای آخر در سراسر جهان نمایندگی می‌کنند. «چهار» نمادی است که جهانی بودن را نشان می‌دهد، و همه انبیا از روزهای آخر سخن می‌گویند. چهار مرد شایسته در فصل اول نماینده قوم خدا در روزهای آخرند، و در آیه هفده برای نخستین بار میان دانیال و آن سه مرد شایسته تمایزی نهاده می‌شود که نماد «ترکیب سه‌ویک» است.

نماد «ترکیب سه و یک» بارها در کلام الهام شده یافت می‌شود. این نماد، بسته به سیاق، چندین حقیقت را نمایندگی می‌کند. همچنین نمایانگر تاریخ پیام‌های سه فرشته است؛ پیام‌هایی که در «زمان پایان» در سال ۱۷۹۸ آغاز شدند و در خاتمه مهلت فیض پایان می‌یابند. همه آن سه پیام در جنبش فرشته اول متجلی بودند، و آن جنبش با فرشته چهارم باب هجده مکاشفه دنبال می‌شود؛ از این رو، یک «ترکیب سه و یک».

در برخی زمینه‌ها، می‌تواند جنبش پیام فرشته نخست تاریخ میلریتی را با عدد یک، در ترکیب با جنبش پیام فرشته سوم با عدد سه، بازنمایی کند. از این رو، «ترکیب سه و یک» را می‌توان به صورت «ترکیب یک و سه» نیز نشان داد. ترکیب نمادین «سه-یک» به عنوان نماد عمل می‌کند، چه یک پیش از سه بیاید، چه سه پیش از یک. در کوره آتش نبوکدنصر، در باب سوم دانیال، نخست سه مرد شایسته را می‌بینیم و سپس چهارمی را که شبیه پسر خداست.

و این سه مرد، شدرک، میشک و عبدنغو، در حالی که بسته بودند، در میان کوره آتش افروخته فرو افتادند. آنگاه نبوکدنصر پادشاه شگفت‌زده شد؛ شتابان برخاست و به مشاوران خود گفت: «آیا ما سه مرد بسته را به میان آتش نیفکندیم؟» آنان پاسخ دادند و به پادشاه گفتند: «درست است، ای پادشاه.» او پاسخ داد و گفت: «اینک چهار مرد را می‌بینم که آزادند و در میان آتش راه می‌روند، و هیچ آسیبی به آنها نرسیده است؛ و صورت چهارمین مانند پسر خداست.» دانیال ۳:۲۳-۲۵.

شکی نیست که دلیل کاملاً الهی و واقعیت تاریخی دقیقی وجود دارد که ما را آگاه می‌کند چرا دانیال در مراسم پرستش تندیس زرین فصل سوم حضور نداشت، اما یکی از دلایل نبوی این است که اگر دانیال در آن مراسم حاضر می‌بود، نمادپردازی نبوی ترکیب سه و یک در کوره آتشین را از میان می‌برد. در ماجرای جدعون، او و سه دسته صدنفری‌اش بودند. مسیح غالباً با سه شاگرد بود.

و پس از شش روز، عیسی پطرس و یعقوب و برادرش یوحنا را با خود، جدا از دیگران، به کوهی بلند برد؛ و در برابر آنان تبدیل هیئت یافت: چهره‌اش چون خورشید درخشید و جامه‌هایش چون نور سفید شد. متی ۱۷:۲-۱۷.

یک و سه، یا سه و یک؛ هر دو یک نمادند، زیرا همگی نمایانگر عنصری نبوی از ایام آخرند، و ایام آخر، ایام داوری است. روزهای داوری در سال ۱۷۹۸ آغاز شد، با اعلام اینکه داوری تحقیقی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز خواهد شد. و روزهای داوری ادامه می‌یابد تا زمانی که مهلت بشر با قانون قریب‌الوقوع یکشنبه شروع به بسته شدن کند، زیرا داوری‌های اجرایی خدا آغاز می‌شود و به تدریج شدت می‌گیرد تا وقتی که مهلت کاملاً بسته شود و هفت بلای آخر رخ دهند. در ماجرای کوره نیوکدنصر، سه دلیر که بعداً مسیح به آنان پیوست، نمایانگر پرچم‌اند. در مراسم افتتاح پیکره زرین، همه ملت‌هایی که امپراتوری نیوکدنصر را تشکیل می‌دادند حضور داشتند.

و او برای قوم‌هایی از دور، پرچمی برافراشته خواهد کرد و از انتهای زمین به آنان سوت خواهد زد؛ و اینک، آنان به سرعت، شتابان خواهند آمد. اشعیا ۵:۲۶.

هفتاد سال اسارت دانیال نماد ضروری دیگری است که باید شناخته شود و این موضوع بارها در کلام الهام‌شده یافت می‌شود. از یهو یاقیم تا کورش نمایانگر همان هفتاد سال واقعی اسارت دانیال است. در کتاب دوم تواریخ، این هفتاد سال نمایانگر دوره‌ای است که زمین آرام می‌گیرد و سبت‌های خود را استیفا می‌کند. در اشعیا باب بیست‌وسوم، این هفتاد سال تاریخ ایالات متحده را از ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه نشان می‌دهد، و بدین‌سان تاریخ‌های موازی شاخ جمهوریت و شاخ پروتستان‌تیسیم حقیقی را نیز بازنمایی می‌کند. خواهر وایت هفتاد سال را با هزار و دویست و شصت سال قرون تاریک پایی هم‌راستا می‌داند.

امروز کلیسای خدا آزاد است تا طرح الهی را برای نجات نوع گمشده بشر به پیش برد و به کمال برساند. در طی قرن‌های بسیار، قوم خدا محدودیت آزادی‌های خود را تحمل کرد. موعظه انجیل در صورت ناب‌آن ممنوع شده بود و شدیدترین مجازات‌ها بر کسانی اعمال می‌شد که جرأت می‌کردند از احکام بشری سرپیچی کنند. در نتیجه، تانگستان عظیم اخلاقی خداوند تقریباً به کلی متروک مانده بود. مردم از نور کلام خدا محروم شده بودند. تاریکی خطا و خرافه تهدید می‌کرد که شناخت دین راستین را محو سازد. کلیسای خدا بر زمین در سراسر این دوره طولانی جفای بی‌امان، به راستی همان قدر در اسارت بود که بنی‌اسرائیل در دوران تبعید در بابل در اسارت نگاه داشته می‌شدند. انبیا و پادشاهان، ۷۱۴.

هنگامی که فهمیده شود که هفتاد سال، به‌عنوان نماد، همچنین نمایانگر هزار و دویست و شصت سال دوران تاریکی است، آنگاه تصاویر «سه سال و نیم»، «چهل و دو ماه» یا «زمان، زمان‌ها و نیم زمان» که به‌طور نمادین دوران تاریکی را بازنمایی می‌کنند، معنای هفتاد سال نمادین و کاربرد آن را گسترش می‌دهند.

در کتاب دانیال، هفتاد سال به‌عنوان دوره‌ای از قدرت‌یافتن پیام نخست تا داوری شناخته می‌شوند. آن دوره در هر جنبش اصلاحی مقدس وجود دارد و از این رو، هفتاد سال نماینده خطوط دیگر حقیقت‌اند که عنصر زمان را برجسته نمی‌کنند، بلکه به هدف آن دوره می‌پردازند. برای نمونه، ملاکی هفتاد سال را دوره‌ای معرفی می‌کند که در آن «فرستاده عهد» پسران لاوی را تطهیر می‌کند. خواهر وایت تطهیر لاویان نزد ملاکی را با دو پاک‌سازی هیکل توسط مسیح مرتبط دانست. همان دوره، زمان مهرکردن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است. همچنین دوره‌ای است که باران آخر به تدریج افاضه می‌شود. همان دوره همچنین زمان آزمون «تصویر وحش» است که به «نشان وحش» می‌انجامد. این دوره همچنین «روز تدارک» نبوی است که به قانون یکشنبه می‌انجامد، که همچنین «روز سبت» است. این

دوره شامل زمان‌های پراکندگی و زمان‌های گردآوری است که هر دو از عناصر «هفت زمان» به‌شمار می‌روند.

در کتاب دانیال، یهوایقیم نماد قدرت‌گیری پیام نخست است. در ارتباط با دو پادشاهی که پس از او می‌آیند، او صرفاً نخستین سه فرشته‌ای است که به داوری منتهی می‌شوند و در آن پایان می‌یابند. کورش نه تنها نماد قانون یکشنبه است، بلکه او همچنین «نشانه»‌ای از رهایی است. دانیال عنصری از ترکیب سه و یک است، و نیز جزئی از نمایندگی چهارگانه جهانی قوم خدا. دانیال همچنین نماد پیام‌آور ایلیا است و نیز نماد یوحنا در کتاب مکاشفه است. او همچنین نماد کسانی است که مهر خدا را دریافت می‌کنند. نام «دانیال» به معنای «قاضی خدا» یا «خدای داوری» است، از این رو او نماد داوری است، و نیز نماد لاودیکیه، زیرا لاودیکیه به معنای «مردمی داوری‌شده» یا «مردمی زیر داوری» است. داوری لاودیکیه در نهایت مبتنی است بر رد دانشی که مهر آن در کتاب دانیال گشوده شده است.

نیوکدنصر هم نماد هر دو شاخ جمهوری‌خواه و پروتستان حقیقی ایالات متحده است، و او همچنین نماد ایالات متحده از آغاز تا پایان آن است. وقتی به فصل‌های چهار و پنج دانیال می‌رسیم، در خواهیم یافت که نیوکدنصر نمایانگر "زمان پایان" در سال ۱۷۹۸ است و بلشاصر نمایانگر قانون یکشنبه. نیوکدنصر در پایان "هفت زمان" مجازات، به حاکمی توبه‌کرده و بره‌مانند بدل شد، اما پسرش درست پیش از نابودی‌اش مانند اژدها سخن می‌گوید.

«چنان‌که به صورت نمادین به نخستین آن رسیده بود، به آخرین فرمانروای بابل نیز حکم ناظر الهی فرا رسید: 'ای پادشاه... به تو گفته می‌شود؛ سلطنت از تو گرفته شد.' دانیال 4:31» انبیا و پادشاهان، 533.

فصل اول دانیال نمایانگر تاریخ جنبش میلری از 11 اوت 1840 تا 22 اکتبر 1844 است. همچنین بازه‌ای از 11 سپتامبر 2001 تا قانون یکشنبه را نیز نشان می‌دهد. همچنین بیانگر پیام نخست از سه پیام فرشته است؛ سه پیامی که خود دومین نماد نبوی تاریخ ایالات متحده از 1798 تا قانون یکشنبه نیز هستند.

شاید مهم‌ترین ویژگی فصل نخست دانیال این باشد که نخستین چیزی است که در کتاب نبوی‌ای که از کنار هم گذاشتن کتاب دانیال و کتاب مکاشفه پدید می‌آید، ذکر شده است. این نخستین سه آزمون نبوی است که یک پژوهشگر نبوت باید بر آن مسلط شود. این همان چیزی است که باید برای پشت سر گذاشتن آزمون‌های بعدی "خورده" شود.

در «نوشته‌های اولیه»، چنان‌که پیش‌تر بیش از یک بار در این مقالات نقل شد، خواهر وایت در یک بند فرایند آزمون سه مرحله‌ای تاریخ مسیح را مشخص می‌کند و سپس در بند بعدی فرایند آزمون سه مرحله‌ای تاریخ میلریتی‌ها را تعیین می‌کند. او بیان می‌کند که کسانی که در زمان مسیح پیام یحیی را رد کردند، نمی‌توانستند از تعالیم عیسی بهره‌مند شوند. بند بعدی برای هر کس که بخواهد ببیند روشن می‌سازد که نخستین آزمون برای میلریتی‌ها ویلیام میلر بود؛ کسی که به گفته خواهر وایت، هم یحیی تعمیددهنده و هم ایلیا نمونه او بودند. آن دو شاهد نخستین آزمون ثابت می‌کنند که باب اول دانیال پیام ایلیا است. اگر باب اول رد شود، نمی‌توان از ابواب دوم و سوم بهره‌ای برد.

عیسی و فرشته دوم، در تاریخ‌های مربوط به خود، پس از یوحنا تعمیددهنده و فرشته اول آمدند. پس از عیسی، داوری صلیب بود، و فرشته سوم هنگامی که داوری تفتیشی آغاز شد، رسید. نامیدی شاگردان در واقعه صلیب، نمونه نامیدی بزرگ 22 اکتبر 1844 است. باب نخست دانیال، ایلیا است، چنان‌که در یوحنا تعمیددهنده و ویلیام میلر نمایانده شده است، اما نمی‌توان آن را از باب‌های دوم و سوم جدا کرد. آن باب‌ها با هم انجیل جاودانی‌اند، که همواره پیامی نبوی آزمون‌گر سه مرحله‌ای است

و دو طبقه از پرستندگان را پدید می‌آورد و سپس از هم جدا می‌سازد. بنابراین، اگر آن سه باب از هم جدا شوند، به معنای انجیلی دیگر خواهد بود.

اما اگر ما یا فرشته‌ای از آسمان، جز آن بشارتی که به شما موعظه کرده‌ایم، بشارت دیگری به شما موعظه کند، او ملعون باد. همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، اکنون نیز باز می‌گوییم: اگر کسی بشارتی غیر از آنچه پذیرفته‌اید به شما موعظه کند، او ملعون باد. غلاطیان ۸:۸، ۹.

فصل اول کتاب دانیال زمینه را فراهم می‌کند تا فرستاده عهد ناگهان به هیکل خود بیاید، و همچنین نمایانگر صدایی است که در بیابان فریاد می‌زند. بیابان به مثابه دوره‌ای از پراکندگی تصویر شده است؛ دوره‌ای که در آن قدس و لشکر پایمال می‌شوند. در فصل اول دانیال، او در بیابان، در پراکندگی و اسارت به سر می‌برد. پیام فصل اول، راه را برای پیام فصل دوم هموار می‌کند؛ جایی که مسیح تطهیر می‌کند و با پسران لاوی وارد عهد می‌شود. پسران لاوی به‌عنوان نماد قوم برگزیده خدا شناخته می‌شوند، زیرا در بحران تندیس زرین هارون با وفاداری در کنار موسی ایستادند، و فصل سوم دانیال نیز بحران تندیس زرین است.

شدرک، میشک و عبدنغو مانند لاویانی هستند که از پیش برای آزمون «تصویر وحش» مربوط به بت زرین تطهیر شده‌اند. در مراسم، نبوکدنصر ارکستیر را تدارک می‌بیند، فاحشه صور سرودها را می‌خواند و اسرائیل روحانی مرتد در برابر بت زرین سجد می‌کند و سپس برهنه به نوای موسیقی گرد بت زرین می‌رقصد.

کتاب‌های دانیال و مکاشفه یک کتاب هستند و مسیح، به‌عنوان الفا و امگا، اکنون مَهر کتابی را که حاکی از مکاشفه عیسی مسیح است می‌گشاید. نخستین حقیقتی که او در آن کتاب می‌نهد، پیام‌های سه فرشته است. سه باب نخست دانیال همان پیام‌های سه فرشته‌اند. حقایقی که در ارتباط با آن پیام‌های سه فرشته در مکاشفه باب چهاردهم آمده‌اند، هنگامی به کمال می‌رسند که دریافته شود نخستین بار در سه باب نخست دانیال ذکر شده‌اند. در مکاشفه باب چهاردهم، آنها به‌عنوان «انجیل جاودانی» شناخته می‌شوند و در آسمان‌ها در حال پروازند و بدین‌سان پیامی را که در روزهای آخر به سراسر جهان عرضه می‌شود، مشخص می‌کنند. در سه باب نخست دانیال، تجربه مردان و زنانی که آن پیام را به جهان می‌برند، به تصویر کشیده شده است. مکاشفه باب چهاردهم خط بیرونی حقیقت است که با نمادها پیام سه فرشته را بازنمایی می‌کند. انجیل جاودانی و پیام هر یک از آن سه فرشته، به‌وسیله خط درونی حقیقت که در سه باب نخست دانیال بازنمایی شده است، به کمال می‌رسند.

سه فصل نخست بیانگر حقایق شگفت‌انگیز بسیاری‌اند و یکی از آن حقایق این است که سه پیام یک فرایند آزمون سه مرحله‌ای‌اند: نخست آزمون تغذیه‌ای، سپس آزمون دیداری، و در نهایت آزمون تورنسل. بی‌تردید راه‌های دیگری برای نام‌گذاری آن سه آزمون وجود دارد، اما آن نام‌ها در فصل یک به‌آسانی دیده می‌شوند و بار دیگر در فصل‌های یک تا سه هم به چشم می‌خورند. این سه فصل باید در کنار هم به‌عنوان یک نماد واحد شناخته شوند.

پیام‌های اول و دوم در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ اعلام شدند، و اکنون در دوره اعلام پیام سوم هستیم؛ اما هر سه پیام هنوز باید اعلام شوند. همان‌قدر که پیش‌تر ضروری بود، اکنون نیز لازم است این پیام‌ها برای کسانی که در جست‌وجوی حقیقت‌اند تکرار شوند. ما باید با قلم و زبان آن را اعلام کنیم، ترتیب آن‌ها را نشان دهیم و انطباق نبوت‌هایی را که ما را به پیام فرشته سوم می‌رسانند بیان کنیم. بدون اول و دوم، سوم نمی‌تواند وجود داشته باشد. این پیام‌ها را باید از طریق نشریات و سخنرانی‌ها به جهان ارائه کنیم و در مسیر تاریخ نبوی، آنچه بوده و آنچه خواهد بود را نشان دهیم. پیام‌های برگزیده، جلد دوم، صفحات ۱۰۴ و ۱۰۵.

فرقی ندارد که میان تاریخ واقعی فصل‌های دوم و سوم تنها یک روز، یک هفته، یا بیست سال فاصله بوده باشد؛ این فصل‌ها به صورت نمادین روند آزمون‌های سه‌گانه پیاپی را نشان می‌دهند. نبوکدنصر شگفت‌زده و مبهوت بود که خدا از طریق پیامبر دانیال توانست از خواب او آگاه شود و چنان تعبیر استواری از آن ارائه کند که جز به‌عنوان حقیقت قابل فهم نبود. با این حال، در فصل سوم نبوکدنصر در آزمون دوم فصل دوم مردود شد، زیرا تصمیم گرفت خواسته انسانی مغرورانه خود را بر تجلی شگفت‌انگیز قدرت خدا مقدم بدارد؛ همان تجلی‌ای که معنای الهی خواب رازآمیز را آشکار کرده بود.

در برپا کردن تمثال طلایی در باب سوم، او در سومین محک مردود شد. شدرک، میشک و عیدنغو از این محک سربلند بیرون آمدند. نبوکدنصر نشان وحش را دریافت کرد و آن سه مرد شایسته مهر خدا را دریافت کردند. سه باب نخست دانیال باید در زمینه سه فرشته مکاشفه باب چهاردهم فهمیده شوند. با آنکه این سه باب ساده‌اند—زیرا آن قدر روشن‌اند که معمولاً به‌عنوان داستان‌هایی برای کودکان مسیحی به کار می‌روند—در واقع، شاید ژرف‌ترین سه باب در کلام خدا باشند.

ما در مقاله بعدی با فصل سوم دانیال ادامه خواهیم داد.

«خودستایی و ستمی که در شیوه عمل پادشاه بت‌پرست، نبوکدنصر، دیده شد، در روزگار ما نیز هویداست و همچنان ادامه خواهد یافت. تاریخ تکرار خواهد شد. در این عصر، آزمون بر سر رعایت سبت خواهد بود. جهان آسمانی می‌بیند که مردم شریعت یهوه را لگدمال می‌کنند و یادبود خدا—آن نشانه میان او و قوم پاسدار احکامش—را به هیچ می‌انگارند و چیزی خوارش‌مردنی‌اش می‌سازند، در حالی که سبت رقیبی همانند پیکره بزرگ زرین در دشت دورا بزرگ داشته می‌شود. کسانی که ادعای مسیحی‌بودن دارند جهان را فرامی‌خوانند تا این سبت جعلی را که خود ساخته‌اند رعایت کنند. همه کسانی که امتناع ورزند، زیر قوانین ستمگرانه قرار خواهند گرفت. این همان راز بی‌قانونی است، طرح عوامل شیطانی که به‌دست مرد گناه به اجرا درمی‌آید.» آموزگار جوانان، ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۴